



Volume 2, Issue 5, 2023

Challenges of Criminal Prosecuting U.S. Government for Assassination of General Soleimani

Mohammad Salehi¹, Shahraddar Darabi*², Alireza Saeid³

1. Ph.D Student, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 87-95

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4439-8308

TELL: +989126527064

Email: Shahraddar.darabi@yahoo.com

Article history:

Received: 20 Dec 2022

Revised: 11 Jan 2023

Accepted: 22 Jan 2023

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

U.S.,
Assassination,
General Soleimani.

ABSTRACT

Although terrorism is not an emerging phenomenon, it has only been a few decades since it has become one of the most controversial international, regional and domestic debates due to its extent and characteristics. One of the important and challenging examples of this phenomenon is state terrorism, which is sometimes committed with the justification of preventive defense; The case that was stated regarding the assassination of General Soleimani by the US government. Despite the development of conventions and the enhancement of the jurisdiction of international judicial assemblies, there are huge differences between countries regarding the examples and dimensions of preventive defense or the dimensions of "aggression". The findings of this research, with a descriptive-analytical approach, show that the international criminal policy, both in the form of conventions and in the form of the jurisdiction of judicial authorities, has many challenges regarding the punishment of the perpetrators of the assassination of Sardar Soleimani. And it is concluded that according to the Convention on "Prevention and Punishment of Crimes Committed against Internationally Protected Persons", and referring to general laws such as the United Nations Charter, the Resolution on the definition of aggression, the Convention on Special Missions and customary provisions, the assassination case of General Soleimani and his companions can be Followed.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Salehi, M; Dadabi, Sh & Saeid, A (2023). "Challenges of Criminal Prosecuting of U.S. Government for Assassination of General Soleimani". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 87-95.



دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

چالش‌های تعقیب کیفری دولت آمریکا در ترور سردار سلیمانی

محمد صالحی^۱، شهرداد دارابی^{۲*}، علی‌رضا سعید^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

چکیده

با وجودی که تروریسم، پدیده‌ای نوظهوری نیست اما تنها چند دهه است که با توجه به گستردگی و ویژگی‌های آن به یکی از مباحث بحث‌انگیز بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی تبدیل شده است. یکی از مصادیق مهم و چالشی این پدیده، تروریسم دولتی است که گاه با توجیه دفاع پیش‌دستانه ارتکاب می‌یابد؛ موردی که در خصوص ترور سردار سلیمانی توسط دولت آمریکا بیان گردید. با وجود توسعه کنوانسیون‌ها و ارتقای صلاحیت مجامع قضایی بین‌المللی، اما در مبحث مصادیق و ابعاد دفاع پیش‌دستانه و یا ابعاد «تجاوز»، اختلافات فاحشی بین کشورها وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی، نشان می‌دهد که سیاست قضایی بین‌المللی چه در قالب کنوانسیون‌ها و چه در قالب صلاحیت مراجع قضایی، چالش‌های فراوانی در خصوص جزادهی عاملان ترور سردار سلیمانی دارد و نتیجه می‌شود که با توجه به کنوانسیون «پیشگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاص حمایت شده بین‌المللی»، و با استناد به قانون‌های عمومی مثل منشور ملل متحد، قطعنامه تعریف تجاوز، کنوانسیون مأموریت‌های ویژه و مقررات عرفی، می‌توان پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهان وی را پیگیری نمود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۷-۹۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۸۳۰۸-۴۴۳۹-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۲۶۵۲۷۰۶۴+

ایمیل: Shahraddar.darabi@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

ایالات متحده، ترور، سردار سلیمانی.



مقدمه

به رغم این که امروزه همه کشورها یک صدا تروریسم را محکوم می‌کنند، متأسفانه بحث تروریسم، بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته است تا جنبه حقوقی، مد نظر باشد (امیرعبدالهیان، ۱۳۹۸: ۱). در همین راستا، در اسلام سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌ای نسبت به اخلاص‌کنندگان در امنیت عمومی شهروندان ترسیم شده و ارتکاب اعمالی که در جهان امروز به‌عنوان «تروریسم» امنیت ملی و بین‌المللی را با مشکل مواجه ساخته، با پاسخ‌های شدید کیفری به‌عنوان محاربه همراه است.

بر اساس مفاد چند معاهده بین‌المللی درباره تروریسم نیز ترور به هر شکلی، غیرقانونی و موجب پیگرد است. یکی از مهم‌ترین موارد در این رابطه «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری تروریستی» است که در حال حاضر ۱۶۴ کشور آن را امضا کرده‌اند. برخی معاهده‌های ضد تروریسم اطلاق عملیات تروریستی را نیازمند به ضربه زدن به یک جمعیت یا مجبور کردن دولت یا یک نهاد بین‌المللی به انجام عملی خاص می‌دانند. بر اساس بند ۲ این کنوانسیون هرکس به هر طریق اقدام به واردکردن، جایگذاری و منفجر کردن مواد منفجره در یک محل عمومی، ساختمان دولتی و ایستگاه‌های سیستم حمل‌ونقل عمومی کند که منجر به تخریب، زخمی شدن یا مرگ کسی شود مرتکب عملی تروریستی شده است.

تروریسم، اغلب متضمن حمله به بزه‌دیدگانی بوده که در ایجاد شرایطی که به‌طور آشکار محرک یا توجیه‌کننده خشونت تروریستی بوده است، هیچگونه نقش یا مسئولیتی نداشته‌اند (Curaviv, 2010: 407). حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان تروریسم، بخشی از عدالت حقوقی است که جامعه بین‌المللی با وجود تأکید بر چنین حمایتی، سازوکارهای لازم برای عملی کردن آن را تدارک ندیده است (Reisman, 2003: 218).

زمینه‌های گسترده کیفرگریزی تروریست‌ها، به‌خصوص در جنایات نوپدید و دولتی، بر فراوانی ارتکاب این اقدامات تروریستی اثر گذاشته و موجبات توسعه فزاینده شیوه‌های ضد

بشری آنها، در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم ساخته است (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶: ۴۸). در همین راستا، دستور بی‌سابقه و اعلام رسمی ترور اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، ترور سردار سلیمانی، فرمانده کل سپاه قدس ایران، و همراهانش از جمله ابومهدی المهندس، معاون نیروهای حشدالشعبی، در بامداد سوم ژانویه ۲۰۲۰، در سرزمین کشور عراق توسط پهپادهای آمریکایی، به یکی از موضوعات حساس روز حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بدل شده است.

ضرورت تحقیق ناشی از آنست که اشکال نوین ترور که از سوی رؤسای سایر دول تقلیدپذیر است، صلح و ثبات جامعه جهانی را تهدید می‌کند. نظر به اینکه اقدام تروریستی در قلمرو سرزمینی یک کشور خارجی و با مباشرت اتباع بیگانه ارتکاب یافته، کشور قربانی به سهولت قادر نیست تا به تعقیب آمران و مباشران آن حادثه بپردازد. به این دلیل که اقدام تروریستی، خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران واقع شده است. در همین راستا رژیم اسرائیل و دولت آمریکا با دستاویز مبارزه با تروریسم، مفهومی سیاسی با عنوان «هدف قرار دادن تروریست» را ابداع نموده و کسانی را که به زعم آنها تروریست- و در واقع، مخالف آنها بودند- را ترور کردند. به‌هرحال رفتار تروریستی از منظر مقررات بین‌الملل از جمله معاهدات بین‌المللی ناظر بر تروریسم، مجرمانه است. لذا بررسی ظرفیت‌های بین‌المللی در این خصوص حائز اهمیت است. اهمیت دیگر پژوهش حاضر را می‌توان از یک‌سو در توسعه ادبیات حقوقی کشور راجع به ترور هدفمند شخصیت‌ها و راهکاری پیگیری کیفری آن در محاکم داخلی و به‌ویژه بین‌المللی دانست که می‌تواند زمینه‌ساز مباحثات بسیار در نظام حقوقی ایران گردد.

۱- استناد به دفاع پیش‌دستانه در ترور سردار سلیمانی

اقدام آمریکا به حمله نظامی در خاک عراق و به شهادت رساندن سردار سلیمانی و همراهان وی از جمله اعمال و رفتارهایی است که هم‌زمان به چند حوزه از قواعد و حقوق بین‌الملل ارتباط پیدا می‌کند. یکی از آنها «اصل منع توسل به

وقتی شما شرط قریب الوقوع بودن را ساده‌سازی می‌کنید، در واقع کاربرد زور را از استثناء به قاعده تبدیل کرده‌اید! (Swart, 2020: 28). این نوع رفتارهای خاص و قانون‌شکنانه دولت آمریکا اگر اجازه داده شود، آن‌گونه‌که رابرت کاگن، مفسر محافظه‌کار حقوق بین‌الملل درباره کناره‌گیری آمریکا از اجرای حقوق بین‌الملل سوگمندان هشدار داده است، بی‌نظمی در جهان رایج خواهد شد و جنگ را باز تولید خواهد کرد! (Dorsay, 2020: 7). از طرف دیگر طبق شواهد ظاهری، سردار سلیمانی در پی کاهش تنش‌ها در منطقه بوده و در واقع سفر و مأموریتی دیپلماتیک داشته است و حتی فردی نظامی در آن شرایط نبوده است. این تئوری هیچ‌گاه مقبولیت لازم را در میان حقوقدانان، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را نیافته و از این‌رو، جایگاه عرفی یا معاهداتی را در میان منابع حقوق بین‌الملل به دست نیاورده است (Heller, 2012).

اگر قرار بر دفاع مشروع در برابر اقدامات احتمالی آتی مورد ادعای ایالات متحده بود، این کشور نمی‌توانست بدون توجه به عناصر دفاع مشروع یعنی شرایط ضرورت، فوریت و تناسب به این اقدام به این امر نماید. در واقع اگر بپذیریم که ادعای ایالات متحده در مورد طرح‌هایی برای حمله نزدیک به اتباع و اماکن آمریکایی صحت داشته باشد، زمانی که می‌توان از طریق دولت عراق و در بدترین حال، به تنهایی مبادرت به دستگیری و بازداشت فرد مورد نظر نمود، چرا باید از سلاح مرگبار برای مقابله با تهدید احتمالی استفاده نمود. در واقع، ضرورتی برای این امر وجود نداشته است. در همین خصوص، تناسبی میان اقدام ایالات متحده در به‌کارگیری سلاح مرگبار و مقابله با اقدام ادعایی مزبور وجود ندارد (Milanovic, 2020: 2).

حمله فوری، قطعی و شدید وجود داشته باشد. زیرا کاربرد فراسرزمینی زور همواره باید استثناء تلقی شود. بنابراین چیزی به عنوان دفاع پیش‌گیرانه، به‌رغم بخشی از دکرین روابط بین‌الملل و رویکرد برخی از حقوقدانان، جایگاهی در حقوق بین‌الملل توسل به زور نداشته و از حمایت نظریه‌های تفسیری، رویه قضایی و رویه‌های عملی اغلب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ذیربط و برخوردار نیست.

زور» منشور ملل متحد در ماده ۲ و نیز بند ۴ است.^۱ این اصل در منشور تنها با دو استثناء مواجه شده است این دو استثناء به ترتیب موضوع مواد (۴۲) و (۵۱)^۲ منشور را به خود اختصاص داده‌اند.

رویه دولت‌ها دلالت دارد که دفاع در پاسخ به حمله قریب‌الوقوع نیز مجاز شناخته شده است (Swart, 2020: 26). دفاع پیش‌دستانه باید در پاسخ به حمله قطعی و قریب‌الوقوع باشد و نمی‌تواند در برابر تهدید به حمله در آینده که اغلب فاقد اطلاعات و مدارک و مستندات دقیق است و از آن به دفاع پیش‌گیرانه تعبیر می‌شود، صورت پذیرد. قاضی شوبل در نظر مخالف خود اعلام داشته که به باور وی منطوق یا مفهوم ماده ۵۱ منشور حق دفاع در حقوق بین‌الملل عرفی را منتفی نکرده و یا قلمرو کلی آن را به شروط مصرح در متن ماده محدود نساخته است. این رویکرد مورد تأیید برخی حقوقدانان نیز واقع شده است (Hole & Van, 2003: 95). دفاع پیش‌دستانه تنها وقتی معتبر است که واجد معیار کارولاین^۳ باشد (Swart, 2020: 26). برخی نیز معتقدند که

^۱ - ماده (۲) بند (۴) چنین مقرر می‌دارد: «همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید و استفاده از زور علیه تمامیت ارضی با استقلال سیاسی هر دولت دیگر و یا به هر نحو مغایر با اهداف ملل متحد خودداری کنند.»

^۲ - ماده (۴۲) در فصل هفتم منشور به شورای امنیت اجازه داده است تا چنانچه به تشخیص این شورا، تدابیر غیر نظامی مقرر در ماده (۴۱) کافی نبوده یا نخواهد بود، به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به مقتضای ضرورت تصمیم به استفاده از نیروهای نظامی بگیرد. ماده (۵۱) نیز توسل به زور را در مقام دفاع انفرادی یا جمعی از خود به عنوان حقی ذاتی در پاسخ به حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد مجاز شمرده است.

^۳ - رویه کارولاین مربوط به حادثه‌ای میان ایالات متحده آمریکا، کانادا و انگلستان (پادشاهی متحد در سال ۱۸۳۷ بوده که به حمله نظامی انگلستان به یک کشتی آمریکایی به نام کارولاین مربوط است. در نتیجه اقدام دیپلماتیک و نهایتاً دآوری برای حل اختلاف ناشی از این حادثه موازینی به‌کار گرفته شد که به معیار کارولاین شهرت یافت. وفق موازین پذیرفته شده در این رویه، دفاع مشروع پیش‌دستانه باید واجد شرایطی باشد که عبارتند از: حمله‌ای که دفاع در برابر آن انجام می‌گیرد، باید قطعی و در شرف وقوع بوده باشد. دفاع از خود باید ضرورت داشته باشد، به‌نحوی که هیچ گزینه دیگری باقی نمانده باشد. دفاع از خود باید فوریت داشته باشد؛ به‌طوری که هیچ فرصتی برای احتیاط و درنگ در اختیار نباشد. این شروط حاکی از آن است که به‌منظور مشروعیت عرفی توسل به زور تحت عنوان دفاع پیش‌دستانه «باید مدارک و مستندات حاکی از یک

شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۱) دفاع مشروع در مقابل فعالیت‌های تروریستی را تجویز نموده است.^۳ اقدام آمریکا در ترور سپهبد سلیمانی در راستای دفاع مشروع در مقابل فعالیت‌های تروریستی بوده و متخلفانه نیست. در پاسخ باید گفت که آمریکا نمی‌تواند قوانین خود را به صورت فراسرزمینی و نسبت به سایرین اجرا کند و الزامات دستورالعمل اتحادیه اروپا نیز تنها در مرزهای این اتحادیه قابل استناد است و نمی‌توان آن را در همه جای جهان و نسبت به همه بازیگران جامعه بین‌المللی اجراء نمود. شاید اگر سپهبد سلیمانی در مرزهای اتحادیه اروپا حضور داشت با نام او در ضمیمه یکی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان متحد درج شده بود، نتیجه‌گیری متمایزی قابل پذیرش بود. اما در این وضعیت نمی‌توان این استدلال را پذیرفت.

۲- چالش‌های تعقیب بین‌المللی ترور سردار سلیمانی

در قوانین و معاهدات بین‌المللی تعریف جامع و کاملی از جنایت نشده است اما مهم‌ترین مصداق جنایت‌های بین‌المللی عبارتند از: نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی. وجه مشترکی که از این مصادیق می‌توان دریافت کشتن و آسیب رسیدن به افراد چه نظامی و چه غیر نظامی است. مفهومی که تا حدودی با تعریف آن در فقه و حقوق داخلی مشابه است.

به موجب بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جنایات علیه بشریت تنها مشتمل بر آن دسته از جنایات فهرست شده است که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده و نظام مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابند. این عناصر در کنار یکدیگر، شرایط تحقق این جنایت را تشکیل می‌دهد.

سه عامل وقوع حمله علیه جمعیت غیر نظامی، گستردگی یا سازمان یافتگی حمله و علم به حمله برای تحقق جنایات علیه بشریت مهم ضروری می‌باشند. آن دسته از جنایاتی به‌عنوان جنایات جنگی گنجانیده شوند که در مورد عرفی بودن آنها شک و تردیدی وجود ندارد. در اساسنامه دیوان

از منظر برخی از حقوقدانان زمانی که هنوز حمله‌ای رخ نداده است، اساساً نمی‌توان عناصر ضرورت و تناسب را نسبت به آن حمله مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. وی معتقد است که دفاع مشروع تنها میان دو دولت قابل بحث است و امکان دفاع مشروع علیه افراد را نمی‌پذیرد (O'Connell, 2020). چنین نظری را دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی دیوار حائل در سال ۲۰۰۴ مطرح کرده است.^۱ در واقع، نخستین شرطی که برای تحقق دفاع مشروع لازم است وجود حمله مسلحانه است. اصطلاح حمله مسلحانه مفهومی کلیدی در ماده ۵۱ تلقی می‌شود. تفسیر این اصطلاح، توسل به زور را توجیه می‌کند، هرچه تعریف روشن و مشخص‌تری از این اصطلاح ارائه شود تلاش کشورها برای توجه کاربرد غیر قانونی زور کمتر شده و با خنثی می‌شود.

اما برخی دولت‌ها معتقدند که دامنه عرفی دفاع مشروع فراتر از قلمرو ماده ۵۱ منشور است و بر اساس محتوای عرفی دفاع مشروع، یک دولت می‌تواند برای حمایت از اتباع، اموال و منافع اقتصادی خود در کشور دیگر نیز وارد عمل شود. اقدامی که به نظر می‌رسد توسط ایالات متحده در حادثه ترور سردار سلیمانی اتفاق افتاده است. با این حال، رویه دیوان این موارد را تأیید نمی‌کند و برای معیار ضرورت آستانه بالایی را مدنظر قرار داده است. حتی کمیسیون دعاوی اربتره و اتیوپی نیز در رأی جزیی خود پیرامون توسل به زور معتقد است که اگر درگیری مرزی میان چند واحد مرزبانی انجام شود و حتی منجر به کشته شدن چند نفر نیز شود، در این حالت، حمله مسلحانه مورد اشاره در منشور محسوب نمی‌شود.^۲

برخی ادعا دارند که سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران که سردار سلیمانی فرماندهی آن را بر عهده داشت، در ایالات متحده آمریکا و کانادا به‌عنوان یک گروه تروریستی مورد تحریم قرار گرفته بود. بنابراین و از آنجایی که قطعنامه ۱۳۶۸

^۱ - Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, (2004), at: <https://www.icj-cij.org/en/case/131>

^۲ - Eritrea-Ethiopia Claims Commission, Partial Award - Jus Ad Bellum - Ethiopia's Claims 1-8, (2006), at: <https://pcacases.com/web/sendAttach/763,p:11>

^۳ - S/RES/1368 (2001), 12 September 2001, para 1368

نظامی توسط یک کشور که در سرزمین کشوری دیگر بر اساس توافقنامه کشور پذیرنده حضور دارند به‌نحوی که مغایر با موافقتنامه مزبور یا هرگونه تمدید حضور در آن سرزمین پس از دوران اختتام موافقتنامه مزبور باشد) است چراکه دولت عراق نیز از حمله آمریکا مطلع نبوده است.^۲ از این‌رو، دولت ایالات متحده به لحاظ مسؤولیت دولت به شکل مدنی و مقامات ایالات متحده که دستور به اجرای چنین اقدامی داده‌اند به شکل کیفری دارای مسؤولیت هستند. پس دولت‌های ایران و عراق می‌توانند با ارائه اظهاریه به مسؤولیت دولت ایالات متحده در قالب مسؤولیت دولتی ناشی از عمل تجاوزکارانه استناد نمایند. این اعلام و اظهار می‌تواند در قالب نامه به شورای امنیت یا دبیر کل ملل متحد و همچنین، یک مکاتبه رسمی به دولت ایالات متحده ارائه شود. زیرا گام نخست برای احراز مسؤولیت دولت، اعلام دولت زیان‌دیده از نقض قاعده به دولت مسؤول است. گام دوم، امکان مراجعه به مراجع ذی‌صلاح است که مرجع رسیدگی به اختلافات میان دولت‌ها است به شرطی که طرفین اختلاف مبنای قانونی رضایت قبلی خود را نسبت به مرجع قضایی حل‌وفصل اختلاف به‌صورت پیش‌بینی ابراز نموده باشند. به نظر می‌رسد که ایران نمی‌تواند از این ظرفیت بهره برد.

اما با توجه به این که ایران و آمریکا، هر دو عضو کنوانسیون «پیشگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاص حمایت

بین‌المللی کیفری و در ماده ۸ آن ۵ مورد از جنایات جنگی ذکر شده است که برخی از آن‌ها دارای ریشه عرفی بوده و برخی مبتنی بر اصول قراردادی می‌باشند. اساسنامه جنایات جنگی را در قالب مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی عنوان نموده است.

یکی از چالش‌های پیش‌رو مسأله تروریسم است. تروریسم دولتی مغایرت اساسی با رسالت دول مبنی بر حفظ صلح و پاسداری از امنیت جمعی دارد و همزیستی مسالمت‌آمیز ملل با یکدیگر را مخدوش می‌سازد. معاهدات بین‌المللی برای ممانعت از هرگونه اقدام مغایر صلح و ناقض امنیت، ثبات و نظم جامعه جهانی، اقسام متعدد تروریسم را نفی و از اعضای جامعه بین‌الملل می‌خواهند که تدابیر قانونی لازم برای پیشگیری و مجازات مرتکبان آن را فراهم سازند. چنانچه دولتی برخلاف تعهد بین‌المللی نه تنها مانع اقدامات تروریستی نشده بلکه آشکارا و به‌طور رسمی دستور به ارتکاب آن دهد، می‌بایست عواقب این اقدام خطرناک و غیرقانونی را بپذیرد.

پاسخگویی قضایی به رفتار ناقض معاهدات، مستلزم شناسایی مرجع صلاحیت‌دار و قانون حاکم است. در حادثه تروریستی علیه مقامات مورد حمایت بین‌المللی، از سه ظرفیت قانونی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده خواهد شد تا ضمن ممانعت از بی‌کیفری آمران این اقدام بی سابقه، از موارد مشابه در آینده پیشگیری شود (خالقی، ۱۳۹۹: ۵۴).

بر اساس ماده ۱ قطعنامه تعریف تجاوز، چون عملیات نظامی علیه سردار سلیمانی، در سرزمینی دیگر اتفاق افتاده و طبق مصادیق تجاوز،^۱ قابل تطبیق با بند «ث» (توسل به نیروی

۱- الف) هجوم یا حمله توسط نیروی نظامی یک کشور به سرزمین کشوری دیگر، با هرگونه اشغال نظامی یا انضمام تمام یا بخشی از خاک کشوری دیگری از طریق توسل به زور؛ ب) بمباران کشوری دیگر توسط نیروی نظامی یک کشور با توسل به هرگونه سلاح از سوی یک دولت علیه سرزمین دولتی دیگر؛ پ) محاصره بنادر یا سواحل یک کشور توسط نیروی نظامی کشوری دیگر؛ ت) حمله به نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی یک کشور با ناوگان دریایی و هوایی کشوری دیگر از طریق نیروی نظامی؛ ث) توسل به نیروی نظامی توسط یک

کشور که در سرزمین کشوری دیگر بر اساس توافقنامه کشور پذیرنده حضور دارند به‌نحوی که مغایر با موافقتنامه مزبور یا هرگونه تمدید حضور در آن سرزمین پس از دوران اختتام موافقتنامه مزبور باشد؛ ج) اجازه به استفاده از سرزمین یک دولت توسط دولتی دیگر جهت ارتکاب عمل تجاوزکارانه علیه دولت ثالث؛ ح) اعزام دسته جات، گروه‌ها، چریک‌ها و مزدوران مسلح توسط یا از طرف یک کشور تا اقدامات نظامی را علیه دولت دیگر انجام دهند به‌نحوی که از چنان شدتی برخوردار باشد تا در قالب یکی از اقدامات بالا قرار گیرد یا به شکلی باشد که مستلزم مداخله اساسی وی در آنها تلقی شود.

۲- بر اساس ماده (۴) موافقتنامه، نیروهای نظامی ایالات متحده باید پیش از هر اقدام نظامی با عملیات نظامی، دولت عراق را در جریان اقدامات خود قرار می‌دادند.

شده بین‌المللی»، هستند؛ سردار سلیمانی را می‌توان طبق ماده ۱۳ آن و نیز بند «ب» از ماده ۱ این کنوانسیون به‌عنوان شخص حمایت شده بین‌المللی تلقی کرد.

بر اساس ماده ۲ این سند نیز ارتکاب عامدانه شامل موارد متعددی است از جمله قتل و هرگونه حمله به شخص یا آزادی وی. ضمن این‌که قانون قابل اعمال در رسیدگی دیوان در این خصوص می‌تواند شامل منشور ملل متحد، قطعنامه تعریف تجاوز، کنوانسیون مأموریت‌های ویژه، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاص حمایت شده بین‌المللی و مقررات عرفی ذیربط باشد.

دولت عراق، چون عضو کنوانسیون «پیشگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاص حمایت شده بین‌المللی»، می‌باشد؛ به لحاظ قانونی می‌تواند با تسلیم اعلامیه‌ای از سوی دولت عراق به دیوان جهت رسیدگی به موضوع به‌صورت خاص و در چارچوب زمانی و مکانی محدود به ترور سردار سلیمانی واکنش نشان دهد.

مطابق عناصر مشكله جرایم، مرتكب شخصی است که به‌واسطه دارا بودن سمت رسمی (دونالد ترامپ یا دیگر مقامات کشوری و لشکری درگیر در این حادثه)، واجد توصیف مندرج در این بند هستند و امکان تعقیب این جرایم را دارد به خصوص این که طبق موافقت‌نامه حضور نظامیان ایالات متحده در عراق مصوب ۲۰۰۸ نیز دولت عراق امکان اعمال صلاحیت قضایی خود را در خصوص جرایم ارتكابی شدید نیروهای آمریکایی در خارج از اماکن و پایگاه‌های آمریکایی در عراق دارا است.

به لحاظ عملی با توجه به این‌که عراق، ایران و ایالات متحده هیچ یک عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند تنها امکان بررسی یا رسیدگی به این اقدام در صلاحیت ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت امکان‌پذیر است.

تنها راه اشتغال دیوان به موضوع ترور سپهبد سلیمانی، پذیرش صلاحیت موردی دیوان طبق ماده ۱۲ اساسنامه دیوان است که البته این شیوه نیز محدودیت‌های خاص خود

را دارد. اگر عراق صلاحیت زمانی دیوان را به اقدامات پس از سوم ژانویه محدود کند نیز برخی از اقدامات مقامات ایرانی در خاک عراق از جمله شلیک ۱۳ موشک به پایگاه نظامی آمریکایی که پس از این تاریخ انجام شده است، تحت رسیدگی دیوان قرار خواهد گرفت. اما ترور سردار، در چارچوب هیچ یک از جرایم چهارگانه تحت صلاحیت دیوان قرار نمی‌گیرد و از آن جایی که در زمان ترور سلیمانی هیچ‌گونه مخاصمه مسلحانه‌ای میان دولت‌های ایران و آمریکا و با عراق در جریان نبوده است، ارتکاب جنایت جنگی منتفی است. ارتکاب جنایت علیه بشریت نیز تنها علیه افراد غیر نظامی قابل حضور دارد، باید آن فرد را دستگیر و برای محاکمه به دیوان تحویل دهد.

در حقوق ایران، طبق ماده ۲۹۰ که جنایت در موارد عمدی را برشمرده، قصاص، مجازات اصلی جنایت عمدی بر نفس اعضا و منافع است.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، حقوق بین‌الملل در زمان جنگ، کشتن فرماندهان و نیروهای نظامی متخاصم را در چارچوب قانونی مشخصی مجاز می‌داند، در حالی که در دوران صلح و با نبود مخاصمه مصلحانه، چنین مجوزی وجود ندارد. مطابق با رأی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق در قضیه تادیچ، مخاصمه مسلحانه بین‌المللی زمانی مصداق می‌یابد که یک استفاده از زور بین دولت‌ها وجود داشته و نیروی دو کشور درگیر شوند. با امعان نظر به این تعریف، بدیهی است، ترور سردار قاسم سلیمانی بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا مخاصمه مسلحانه‌ای برقرار نبوده است و از این منظر، وضعیت افراد تحت حقوق بین‌الملل بشر قرار می‌گیرد.

از منظر بین‌المللی پیگیری ترور شخصیت‌ها در محاکم بین‌المللی با توجه به برخی مبانی قابل تصور است. در این رابطه، دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان دادگستری بین‌المللی، مراجعی هستند که می‌توان صلاحیت آنها برای پیگیری قضایی ترور شخصیت‌ها را مورد بررسی قرار داد. دیوان

موضوع مواد ۴۲ و ۵۱ می‌باشند. دفاع پیش‌دستانه باید در پاسخ به حمله قطعی و قریب‌الوقوع باشد و نمی‌تواند در برابر تهدید به حمله در آینده که اغلب فاقد اطلاعات و مدارک و مستندات دقیق است و از آن به دفاع پیش‌گیرانه تعبیر می‌شود، صورت پذیرد. طبق رویه کارولاین، چیزی به‌عنوان دفاع پیش‌گیرانه، به‌رغم بخشی از دکترین روابط بین‌الملل و رویکرد برخی از حقوقدانان، جایگاهی در حقوق بین‌الملل توسل به زور نداشته و از حمایت نظریه‌های تفسیری، رویه قضایی و رویه‌های عملی اغلب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ذیربط و برخوردار نیست.

با توجه به تعریف تجاوز در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۷۴، بند «ث» در خصوص تجاوز آمریکا سندیت دارد و ایران با توجه به عدم پذیرش کنوانسیون‌های مرتبط با داوری، تنها می‌تواند به صورت موردی، به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه نماید.

از سویی چون ایران و آمریکا، هر دو عضو کنوانسیون «پیشگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاص حمایت شده بین‌المللی»، می‌توان با استناد به آن و قانون‌های قابل اعمال شامل منشور ملل متحد، قطعنامه تعریف تجاوز، کنوانسیون مأموریت‌های ویژه و مقررات عرفی، حقوق سردار سلیمانی و همراهان را درخواست نمود.

در حقوق کیفری ایران، تنها ماده قابل انطباق بر موضوع، ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی درخصوص جنایت عمدی است.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: این پژوهش، توسط نویسنده نخست نگارش یافته و توسط سایر نویسندگان نظارت شده است.

کیفری بین‌المللی تنها نسبت به جرایم مرتبط با دول عضو می‌تواند اعمال صلاحیت کند و این صلاحیت قابل تعمیم به دولت‌های غیرعضو نیست. مطابق با سند مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت دیوان محدود به جرایمی است که یا در قلمرو سرزمینی یک دولت عضو واقع شده باشد (صلاحیت سرزمینی) و یا توسط اتباع یکی از دول عضو ارتکاب یافته باشد (صلاحیت شخصی فعال). این در حالی است که ایران، عراق و ایالات متحده آمریکا هیچ یک عضویت در دیوان بین‌المللی کیفری را نپذیرفته‌اند. اگرچه در مواردی دول غیرعضو نیز می‌توانند صلاحیت دیوان را به‌صورت موردی و موقت نسبت به یک قضیه مورد پذیرش قرار دهند، اما دولت جمهوری اسلامی ایران در قضیه ترور سردار سلیمانی از چنین امتیازی نیز برخوردار نیست؛ چراکه جرم در سرزمینش یا توسط اتباعش واقع نشده و دولت ایران، دولت متبوع قربانی است و از این جنبه، نمی‌تواند صلاحیتی به دیوان اعطا کند. لازم به ذکر است، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز براساس فصل هفتم منشور ملل متحد می‌تواند یک قضیه و نه یک پرونده خاص را به دیوان ارجاع دهد، حتی اگر آن قضیه مربوط به یک دولت غیرعضو باشد. با این حال، برای تحقق این ارجاع ضروری است که هیچ یک از اعضای دائمی شورای امنیت نسبت به قطعنامه ارجاع دهنده رأی منفی ندهند.

برخی قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۱) در خصوص دفاع مشروع در مقابل فعالیت‌های تروریستی را تجویز نموده است و چون آمریکا در اقدام به ترور سپهبد سلیمانی در راستای دفاع مشروع در مقابل فعالیت‌های تروریستی عمل نموده است، این اقدام، متخلفانه نیست؛ اما آمریکا نمی‌تواند قوانین خود را به صورت فراسرزمینی و نسبت به سایرین اجراء کند و الزامات دستورالعمل اتحادیه اروپا نیز تنها در مرزهای این اتحادیه قابل استناد است و نمی‌توان آن را در همه جای جهان و نسبت به همه بازیگران جامعه بین‌المللی اجراء نمود.

اصل «منع توسل به زور»، منشور ملل متحد در ماده ۲ و نیز بند ۴، با دو استثناء مواجه شده است. این دو استثناء به ترتیب

- Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, (2004). <https://www.icj-cij.org/en/case/131> (Last Revised: 12 Jan 2020)

- Milanovic, M (2020). "Iran Unlawfully Retaliates Against the United States, Violating Iraqi Sovereignty in the Process". <https://www.ejiltalk.org>.

- O'Connell, M (2020). "The Killing of Soleimani and International Law". at: <https://www.ejiltalk.org>

- Reisman, M (2003). "Illusion & Reality in the Compensation of Victims of International Terrorism". *Alabama Law Review*, 54(2): 217-219.

- S/RES/1368 (2001), 12 September 2001.para1368

- Swart, M (2020). "To Stop a War: Did Soleimani Killing Violate International Law?, Experts Agree use of Self-defense as Justification for Killing Soleimani Requires Proof of 'Imminent Attack'". <https://www.aljazeera.com/news> ((Last Revised: 01 Jan 2020)

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رسانده‌اند سپاس‌مندیم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۹۸). *نشست بررسی ابعاد حقوقی و بین‌المللی ترور شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی*. تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر و سعید حکیمی‌ها (۱۳۸۶). «ضرورت جرم انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران». *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ۱۱(۲): ۴۷-۷۱.

- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۹). «امکان‌سنجی تعقیب کیفری آمران ترور شهید سلیمانی». *فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۷(۲): ۲۵-۶۲.

الف. منابع انگلیسی

- Curavic, D (2010). "Compensating Victims of Terrorism or Frustrating Cultural Diplomacy?". *Cornell International Law Journal*, 43: 405-407.

- Dorsay, J (2020). "Killing Iran's Qasem Soleimani; Rule of Law or Rule of the Jungle?". <https://www.redressonline.com> (Last Revised: 7 Jan 2020)

- Eritrea-Ethiopia Claims Commission, Partial Award - Jus Ad Bellum - Ethiopia's Claims 1-8, (2006), at: <https://pcacases.com/web/sendAttach/763>.

- Heller, K (2012). "Why Preventive Self-Defense Violates the UN Charter". <http://opiniojuris.org> (Last Revised: 7 Mar 2012)

- Hole, D & Van, L (2003). "Anticipatory Self-defense under International Law". *American University International Law Review*, 19(1): 94-96.